

شاخصه‌های توسعه‌یافتگی تاهرت در عصر بنورستم

عباس برومند اعلم،* سمیه آقامحمدی**

چکیده

بازرگانی و تجارت در مغرب اوسط، طی قرون دوم و سوم، با ورود دولت بنو رستم به عرصه‌ی قدرت، به رشد چشمگیری دست یافت. در این دوره، تاهرت مرکز رستمیان، به لحاظ تجاری به چنان موقعیت و جایگاهی دست یافت که توانست با بسیاری از شهرهای متمدن آن روزگار رقابت کند. این برتری و شکوفایی معلول تجارت گسترده بود که خود مرهون عوامل چندی چون موقعیت جغرافیایی مناسب تاهرت، قرار گرفتن در شاهراه‌های تجاری، فراوانی بازارها و مراکز تجاری و توجه ویژه امامان رستمی به تجارت در کنار مهاجرت‌های گسترده صاحبان مشاغل و حرف و دانشمندان و دانشجویان بوده است. روابط تجاری با سودان، اندلس و دولت‌های محلی منطقه مغرب، رشد تجاری این منطقه را شتاب بخشید و به تاهرت رونق بیشتری داد. این پژوهش سیاست‌های تجاری و اقتصادی و مناسبات بازرگانی رستمیان را مورد بررسی قرار می‌دهد تا با عنایت به آن، تصویری از موقعیت تجاری و بازرگانی تاهرت در عصر بنو رستم ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: مغرب اوسط، تاهرت، تجارت، بنورستم، اباضیه.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). (نویسنده مسئول)

(aboroomanda@yahoo.com)

** کارشناس ارشد تاریخ تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

(somayyeaghahammadi@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۳۰ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۳/۳۱

مقدمه

حکومت رستمیان در تاهرت و مناطق اطراف آن، روی هم رفته نزدیک به ۱۵۰ سال به طول انجامید، و در تاریخ مغرب به صورت یکی از دولت‌های مقبول درآمد. بنیان‌گذار این حکومت، عبدالرحمان بن رستم، پس از تشکیل حکومت، عهده‌دار کارهای مردم شد؛ به گونه‌ای که آوازه و شهرت او در مشرق و مغرب پیچید. افراد زیادی از گروه‌های خوارج ضمن تحسین وی و حکومتش، از سراسر سرزمین‌های اسلامی عازم تاهرت شدند تا ضمن اعلام وفاداری، به حکومت نوپای خارجی مسلک کمک کنند. از جمله این هیات‌ها، گروهی از خوارج بصره بودند که در دو مرحله به تاهرت سفر کردند و در طی این دو سفر، با دو چهره متفاوت از شهر مواجه شدند. در سفر نخست، اموال فراوانی را برای کمک به مردم تاهرت با خود برده بودند و آن را میان مردم توزیع کردند. دومین سفر نیز که کمتر از پنج سال بعد انجام شد با همان انگیزه بود، اما این بار پس از رسیدن به تاهرت دریافتند که اوضاع شهر دگرگون شده و شهر به لحاظ اقتصادی به مرکز تجاری بزرگی تبدیل شده و بازرگانان این شهر با شهرهای دیگر به تجارت پرداخته‌اند؛ تاهرت به چنان موقعیتی رسیده که می‌تواند نیازهای اساسی سرزمین‌های بزرگی چون اندلس، سودان و دولت‌های محلی منطقه‌ی مغرب را تامین کند. به برکت این روابط و مبادلات بازرگانی، مردم تاهرت توانگر شده بودند؛ لذا هیات بصری، نیازی به توزیع اموالی که با خود آورده بود، نمی‌بیند.^۱ پژوهش حاضر ضمن مقایسه این دو تصویر، در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: تاهرت که از تامین نیازهای اولیه خود ناتوان بود، چگونه توانست ظرف مدت کوتاهی به شهری تجاری با موقعیت بین‌المللی تبدیل شود؟ در این مدت، چه سیاست‌ها و روش‌هایی توسط بنورستم به کار گرفته شد که منجر به شکوفایی تجاری تاهرت شد؟ روند تحولات تجاری تاهرت و تعامل آن با سایر دولت‌ها چگونه بوده است؟

می‌دانیم که اخبار و اطلاعات راجع به این دولت، بسیار اندک است؛ چنان که اکثر مورخان و نویسندگان از پرداختن به تاریخ آنان خودداری کرده‌اند و در منابع بسیار

۱. ابن صغیر، (۱۳۷۵)، تاریخ بنی رستم، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۴۰.

محدودی می‌توان اطلاعات اندکی از این حکومت به دست آورد. علاوه بر این، اطلاعات به دست آمده نیز بیشتر دربردارنده مباحث سیاسی است که باید از دل آن به تاریخ اقتصادی و تجاری این دوره آگاهی یافت. این بی‌توجهی به دلایلی چون خارجی مسلک بودن رستمیان و مخالفت دستگاه خلافت رسمی با آن مربوط بوده است. جز ابن صغیر، مورخ هم عصر بنو رستم که تاریخ آنها را نوشته است، شخص دیگری را سراغ نداریم که اثری مشابه داشته باشد و سایر منابع، رونوشتی از این کتاب و یا چند کتاب دیگر در دوره‌های پس از این حکومت می‌باشند. لذا مطالب مورد نظر به سختی استخراج و در کنار هم قرار گرفته و طبیعتاً امکان روشن کردن همه زوایای حیات اقتصادی و تجاری تاهرت در این دوره فراهم نبوده است.

موقعیت طبیعی و تجاری تاهرت

در برخی منابع جغرافیای تاریخی، در خصوص ویژگی‌های طبیعی شهر تاهرت نکاتی گفته شده است؛ مثلاً قزوینی می‌نویسد: «دو شهر است در ولایت مغرب در مقابل یکدیگر، یکی را «تاهرت قدیم» گویند و یکی را جدید. درخت بسیار و باغ بی شمار در آن شهرها می‌باشد و به بسیار خوب در آن ولایات به هم رسد که در سایر ولایات مثل او نباشد. اکثر اوقات هوایش با رطوبت باشد و بارش بسیار بارد و سرما، شدید شود.»^۱ یعقوبی هم در *البلدان* نقل می‌کند که: «تاهرت شهری است بزرگ و آباد میان کوه‌هایی و رودهایی و آن را فضایی نیست، میان آن و دریای شور سه منزل راه است، در زمینی هموار که در قسمتی از آن شوره‌زارهایی است و رودخانه‌ای که به آن «وادی شلف» گفته می‌شود، و بر ساحل آن قریه‌هایی است و آبادی‌هایی و مانند نیل مصر پر آب و لبالب است و در سواحل آن عصفرو کتان و کنجد و جز آن از حبوبات زراعت می‌شود.»^۲

یاقوت نیز تصریح می‌کند که: «تاهرت شهری بارودار دارای چهار دروازه است به نامهای: دروازه صفا، دروازه منازل، دروازه اندلس، دروازه آسیاها. شهر در دامنه کوهی به

۱. زکریا بن محمد بن محمود القزوینی، (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر، ص ۲۲۴.

۲. یعقوبی، (۲۵۳۶)، *البلدان*، محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۵.

نام «جزول» است. قصبه شهر، مشرف بر بازاری به نام «معصومه» می‌باشد و در کنار نهری قرار گرفته که از سمت قبله بدانجا می‌آید و «مینه» نام دارد که در سمت قبله است. نهر دیگر آن از چشمه‌زاری می‌آید و «تاتش» نام دارد که مردم از آن می‌آشامند و آن سرزمین از آن سیراب شود. این نهر در خاور آن است. همه گونه میوه در این شهر یافت شود. به آن از به دیگر شهرها به جهت زیبایی و بوی، خوشتر است. شهر سردسیر ابر آلود و پربرف است.^۱ اهالی شهر اکثراً از قبائل بربر هستند و به تجارت یا کشاورزی و دامداری مشغولند، شهر بازارهای فراوانی دارد و مزارع آباد و مرکز تولید غلات و نیز پرورش انواع دام و زنبور عسل محسوب می‌شود.^۲ بازارهای شهر به قدری مشهورند که محلات و بخش‌های شهر تاهرت به نام آنها شناخته می‌شوند و شاید هم پیدایش آنها در اثر شکل‌گیری بازارها بوده و در پی آن اتفاق افتاده است، مثلاً سوق ابن خلف، سوق ابن حبله، سوق کری، سوق ابن مبلول، سوق ابراهیم، همگی محلات و شهرک‌هایی در تاهرت هستند.^۳

اما تاهرت با شکل‌گیری دولت بنورستم در مغرب، به شهرت رسید. عبدالرحمان بن رستم خارجی، بنیانگذار دولت بنورستم، به همراه جمعی از یارانش پس از فرار از قیروان که در این زمان تابع خلافت رسمی بود، به تاهرت که در آن زمان مرداب و نی‌زاری بیش نبود، وارد شد.^۴ عبدالرحمان در نخستین اقدام، مسجدی با چهار زاویه ساخت و چون وقت نماز جمعه شد همانجا نماز گزارد.^۵ این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در بین شهرهای

۱. یاقوت حموی بغدادی، (۱۳۸۳)، معجم البلدان، ج ۱، ترجمه علینقی وزیری، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، ص ۶۹۹.

۲. الشریف الادریسی، (۱۴۰۹)، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ج ۱، بیروت: عالم الکتب، ص ۲۵۶-۲۵۵.

۳. مقدسی، (۱۳۶۱ ش)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، تهران: شرکت مولفان و مترجمان، ص ۴۱.

۴. ابی‌العباس احمد بن سعید درجینی، (بی‌تا)، طبقات المشایخ بالمغرب، ابراهیم طلالی، الجزائر: بی‌نا، ص ۴۴؛ ابو عبید بکری، (بی‌تا)، المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب پاریس: بی‌نا، ص ۱۹۶؛ عبدالوهاب شماخی، (۱۹۸۷، ۱۴۰۷)، السیر، تحقیق احمد بن سعود السیابی، پاریس: بی‌نا، ص ۱۲۵.

۵. ابن عذاری مراکشی، (۱۹۸۳)، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق و مراجعه ج. س. کولان، بیروت: دارالتقافة، ص ۱۹۶؛ معجم البلدان، ص ۷۰۰.

مغرب، جایگاه ممتازی داشت چرا که به وسیله سه رود احاطه شده بود.^۱ این موقعیت، تاهرت را از نعمت وفور آب بهره‌مند می‌کرد. می‌دانیم که آب یکی از مشکلات مغرب میانه است؛ لذا از این جهت، تاهرت در بین سایر شهرهای مغرب شرایط بهتری داشت.^۲ چنان‌که گفتیم وضعیت مناسب آب و هوایی، چراگاه‌های سرسبز و اراضی فراوان کشاورزی به وجود آورده بود. همین امر باعث شد تاهرت به جایگاهی برسد که بتواند نیازهای مختلف غذایی مثل غلات، حبوبات و گوشت سرزمین‌های هم‌جوار را تامین کند. ابن حوقل، که به این شهر سفر کرده بود، معتقد است که ثروت این شهر از زراعت، باغداری، زنبورداری و بازرگانی به دست می‌آید.^۳ این شهر از نظر باغداری و محصولات باغی نیز بسیار غنی بود، علت آن وجود چشمه‌های زیاد در تاهرت بود که موجب به وجود آمدن باغ‌ها و درختان می‌شد و شهر سرشار از میوه‌هایی بود که گاهی در مغرب بلندآوازه می‌شد. این زمین‌های زراعی موجبات پیشرفت و شکوفایی تاهرت را فراهم می‌کرد.^۴ علاوه بر این، علت دیگر شکوفایی و رونق تجاری تاهرت به اهمیت این منطقه به عنوان مرکز مبادله کالا بین اقلیم‌های مغرب اوسط تا سرزمین‌های ساحلی بود.^۵ ناگفته نماند که موقعیت مناسب تاهرت از نظر استراتژیکی نیز دارای اهمیت بود چرا که روی تپه‌ای میان کوه‌ها واقع شده بود به گونه‌ای که آن را از محاصره دشمنان در امان نگه می‌داشت.^۶

اکثر مورخان و سیاحانی که از این بخش مغرب میانه سخن گفته‌اند به شهرت و آوازه این شهر اشاره کرده‌اند، نویسنده کتاب مجهول المؤلف حدود العالم من المشرق الی المغرب

۱. طبقات المشایخ بالمغرب، ص ۱۲۵.

۲. حسین مونس، (۱۳۹۰)، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: سمت، ص ۳۰۳.

۳. ابن حوقل، (۱۹۳۸)، صورة الارض، ج ۱، لیدن - بیروت: اللجنه الدولیه لترجمه الروائع الانسانیه، ص ۸۶.

۴. جیهانی، (۱۳۶۸)، اشکال العالم، تهران: آستان قدس رضوی، ص ۶۳؛ نزهة المشتاق، ص ۱۷۸.

۵. عبدالله ناصری طاهری، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۲۶.

۶. عبدالحمید سعد زغلول، (بی تا)، تاریخ المغرب العربی تاریخ دول الاغالبه و الرستمیین و بنی مدرار و الادارسة حتی قیام الفاطمیین، الاسکندریه: الناشر بالمعارف تاریخ المغرب العربی، ص ۴۹۹؛ مراکشی، (بی تا)، الاستبصار فی عجائب الامصار، بغداد: دارالشؤون الثقافیة، ص ۱۷۸.

ذکر می‌کند که تاهرت شهری عظیم و بزرگ بوده که در آن تجارت، رونق فراوانی داشته است.^۱ مقدسی معتقد است که بیگانه در آنجا به نوا می‌رسد و صاحب‌دل را خوش می‌آید.^۲ این ویژگی‌ها باعث شد که تاهرت در جذب و اسکان مردم غیربومی موفقیت فراوانی داشته باشد. بصری‌ها، کوفی‌ها، قیروانی‌ها و صاحبان مذاهب مختلف مثل مالکی، معتزله، شیعه، مسیحی و... از جمله گروه‌هایی بودند که دسته دسته وارد این شهر می‌شدند.^۳ از جمله بیگانگانی که به صورت گروهی برای سهمی شدن در سود و ثروت آنجا عازم تاهرت می‌شدند، ایرانیان بودند. مساکن، بازارهای زیاد و ثروت عظیم این منطقه، در کنار زندگی آرام و امنیت بالا از اصلی‌ترین عوامل جذب گروه‌های مختلف از اقصی نقاط بلاد اسلامی بود.^۴ طبیعتاً این مهاجرت‌ها دارای آثار گوناگونی بود و در شکوفایی و رونق اقتصادی بیشتر تاهرت نقش چشمگیری داشت. چنان‌که این شهر به واسطه این مهاجرت‌ها، شهرت یافت و به یک مکان پرچربه تبدیل شد که تاجران در آن قصرها و خانه‌ها ساختند تا جایی که از نظر موقعیت تجاری بر قرطبه و دمشق برتری یافت و رشد و فزونی جمعیت به دلیل وجود فرقه‌ها و طبقات و ملل گوناگون، تاهرت به عراق مغرب معروف شد.^۵

منابع مالی و سیاست‌های توزیعی بنورستم

در دوره رستمیان، بیت‌المال مسلمانان در نهایت دقت و نظم اداره می‌شد. امامان رستمی، به دلیل پایبندی به زهد و پارسایی، نهایت تلاش را می‌کردند که بیت‌المال در نهایت امانت خرج شود.^۶ امام برای رسیدن به این هدف، در کنار خود کارگزارانی داشت که هر کدام

۱. مولف نامعلوم، (۱۴۲۳)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، قاهره: دارالتقافة للنشر، ص ۱۸۱.

۲. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۳۲۶.

۳. تاریخ بنی رستم، ص ۲۸؛ *Encyclopaedia of islam*, p.100.

۴. دایرة المعارف الاسلامیة، ص ۹۴-۹۳.

۵. الیعقوبی، (۲۵۳۶)، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۲؛ *تاریخ تحلیلی مغرب*، ص ۱۴۵؛ محمد علی چلونگر، «موقعیت تجاری افریقیه و مغرب و نقش آن در تاسیس

خلافت فاطمی»، س ۳، ش ۹، بهار ۱۳۸۱، ص ۴۶-۴۷.

۶. *تاریخ بنی رستم*، ص ۴۰.

دارای منصب خاصی بودند: قاضیان، اصحاب شرطه که نایب و جانشین قاضی به شمار می‌آمدند، محتسبان و دسته‌ای که وظیفه جمع‌آوری مالیات و زکات را برعهده داشتند و به گردآورندگان زکات مشهور بودند و در میان شهرها، قبایل و طوایف می‌گشتند و زکات و مالیات را جمع‌آوری می‌کردند.^۱

در دوران امام عبدالرحمان بن رستم، خزانه از اموال پر بود؛ کسانی که باید صدقه می‌دادند، آن را هنگام صرف غذا می‌پرداختند و زکات در وقت مقرر از دارندگان گوسفند و شتر دریافت می‌شد. مردم نه ستم می‌کردند و نه ستم می‌پذیرفتند. پس از جمع‌آوری صدقه و زکات، گوسفندان و شتران به فروش می‌رفتند و عواملان زکات به میزان کارکرد و استحقاق، دستمزد می‌گرفتند. آنگاه مقدار باقیمانده مشخص می‌شد و پس از آن، همه‌ی افراد سرزمین، سرشماری می‌شدند. هنگامی که تعداد مستمندان و نیازمندان مشخص می‌شد، باقیمانده اموال صدقه‌ای که در انبار سلطانی بود بین آنها تقسیم می‌شد و تعدادی لباس‌های پشمی خریداری می‌شد و به ساکنان هر خانه به میزان لازم اعطا می‌شد. عبدالرحمان، اموال زکات را برای فقیران هم مذهبش در نظر می‌گرفت.^۲

مهم‌ترین منبع درآمدی دولت، مالیات ده‌گانه‌ای بود که در اول هر ماه قمری، برای او می‌آوردند و آن تنها امر واجب مالی بود که بر شهروندان نهاده شده بود. تقسیم و اخذ مالیات به گونه‌ای بود که هیچ‌چیز در آن رخ نمی‌داد؛ یعنی میزان مالیات پیوسته یکسان بود؛ نه از آن چیزی کم می‌کردند و نه چیزی بر آن می‌افزودند.^۳ البته مالیات، تنها بر دام و چهارپایان نبود بلکه بر محصولات زمینی و گیاهی به خصوص جو و گندم نیز جاری بود که به محض جمع‌آوری، میان فقرا تقسیم می‌شد. پس از آن، حقوق کارگزاران حکومتی به صورت نقدی پرداخت می‌شد؛ البته این وجه نقد، برحسب شغل و

۱. تاریخ المغرب العربی، تاریخ دول الاغالبه و الرستمیین و بنی مدرار و سجالماسه حتی القیام الفاطمیین، ص ۳۰۹.

۲. تاریخ بنورستم، ص ۴۰.

۳. محمدعلی دبوز، (۱۳۸۳-۱۹۶۳)، تاریخ المغرب الکبیر، قاهره: داراحیاء الکتب العربیة، ص ۳۰۸.

وظیفه کارگزار متفاوت بود.^۱ از بین اموال جمع شده، از جمله لباس زمستانی و روغن برای روشن کردن شعله‌ها و چراغ‌های کل شهر در انبار سلطانی، نگه‌داری می‌شد.^۲ امامان رستمی بر عمل کارگزاران خود هم نظارت جدی داشتند؛ این امر از خلال نامه‌ای که عبدالوهاب به بشیر بن سلام نوشته آشکار می‌شود. وی در این نامه، درخواست کارگزار خود را رد کرده و می‌گوید: «اینکه گفتمی دستت را باز کنم و راهی برایت بگشایم به جانم سوگند این کار آلوده کردن اموال مردم است و برای ما هیچ اختیاری در افزایش و کاهش مال مردم نیست».^۳ نامه دیگر نیز نامه‌ای است که او به اباضیان طرابلس فرستاده و در این نامه نیز بر رعایت جانب انصاف به کارگزارانش تأکید می‌کند.^۴

سیاست‌های تجاری دولت بنورستم

تشکیل این دولت، پس از طی شدن زمان زیادی از بی‌ثباتی اقتصادی و هرج و مرجی که بلاد مغرب در عصر والیان به آن گرفتار شده بودند، حیات تازه‌ای به اقتصاد و صنعت مغرب میانه داد. تاهرت، مامن جمیع خوارج از جبل نفوسه تا سدراته بود؛ مسیری که یکی از راه‌های اصلی تجاری در مغرب اوسط به حساب می‌آمد. این خوارج، همگی حاکم رستمی را امام خود می‌شناختند و وجوهاتشان را به او پرداخت می‌کردند.^۵ از این طریق، دولت رستمی با ثروت انبوه خود در رونق تجاری این منطقه، نقش موثری ایفا می‌کرد. وجود ثروتمندانی در میان رجال و علمای اباضی، نشان می‌دهد که توجه به اصل زهد و

۱. همان، ص ۳۰۹.

۲. سلیمان باسا البارونی، (۲۰۰۵)، *الازهار الرياضية فی ائمة و ملوک الاباضية*، محمد علی الصلیبی، لندن: دارالحکمة، ص ۳۸۹-۲۸۳.

۳. همان.

۴. ابن سلام سالم بن یعقوب اباضی، (۱۴۰۶-۱۹۸۶)، *بدء الاسلام و شرائع الدین*، آلمان: فرانشتاینر، ص ۹۳.

۵. عیسی حریری، (۱۹۸۷-۱۴۸۰)، *الدولة الرستمية بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس*، کویت: دارالقلم؛ کلیة الادب جامعة المنصورة، ص ۲۳۱-۲۳۰، عبدالله العروی، (۲۰۰۷)، *محمل تاریخ المغرب*، بیروت: المرکز الثقافی العربی، ص ۱۹۷-۱۸۷.

شاخصه‌های توسعه‌یافتگی تاهرت در عصر بنورستم ۴۱

ساده زیستی، که در میان خوارج شایع بود، موجب آن نشد که نسبت به توسعه اقتصادی و افزایش درآمد خود بی‌توجه بمانند؛^۱ چنان‌که شاید بتوان ادعا کرد که بخشی از موقعیت تجاری تاهرت مدیون پشتوانه ثروت امامان رستمی بود.^۲

از قرن دوم هجری، یعنی زمانی که حکومت‌های مستقل در آفریقای غربی و مغرب شکل می‌گرفتند، اکثر شهرها و نقاطی که در مسیرهای تجاری و بازرگانی قرار داشتند، به پایتختی برگزیده می‌شدند؛ تاهرت نیز با همین رویکرد، انتخاب شد. برخلاف انتظار و تصور عمومی که از خارجی مسلکان وجود داشت، دولت بنورستم، از جمله نخستین دولت‌های اسلامی در شمال آفریقا بود که روابط و مناسبات اقتصادی و سیاسی با دولت‌های اطراف برقرار کرد؛ جوهره‌ی این روابط در درجه نخست، اقتصاد و تجارت بود.^۳ تاهرت، بزرگترین پایانه‌ی راه‌های تجاری در شمال صحرای بزرگ آفریقا به شمار می‌رفت،^۴ و بر سر مشهورترین راه‌های تجاری آن زمان شمال آفریقا، یعنی راه شرق - غرب و جنوب - شمال واقع شده بود. راه شرق به غرب، راهی بود که قیروان را با چندین منزل به تاهرت وصل می‌کرد که همه‌ی این منازل، شهرها و روستاهای آبادی بودند، اما راه شمال به جنوب راهی بود که از تاهرت به مسیله و از آنجا به بلاد سودان و غانه منتهی می‌شد؛^۵ و این امر باعث می‌شد تاهرت مرکزی، مرکز تبادل بین سواحل غربی و شرقی دریای مدیترانه و سودان باشد.^۶ علاوه بر این، تاهرت اقامتگاه گروه‌هایی از زناته بود که

-
۱. عبدالرحمان حجازی، (۱۴۲۱-۲۰۰۰)، *تطور الفكر التربوي الاباضي في الشمال الافريقي من القرن الاول حتى القرن العاشر الهجري*، صیدا: المكتبة العصرية، ص ۹۴.
 ۲. عبدالحمید سعد زغلول، (بی‌تا)، *تاریخ المغرب العربي الفاطميين و بنو زیری و الصنهاجیون الی قیام المرابطين، الاسکندریه: الناشر بالمعارف*، ص ۳۱۱-۳۱۰.
 ۳. رضا کردی، (۱۳۸۹)، *تاریخ سیاسی خوارج شمال آفریقا در سده‌های اول و دوم هجری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ص ۲۰۳-۱۸۹.
 ۴. *الدولة الرستمية بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس*، صص ۲۳۰-۲۳۱.
 ۵. برای مطالعه بیشتر درباره راه‌های مزبور نک: *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ج ۱، صص ۲۹۵-۲۹۶.
 ۶. *الدولة الرستمية بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس*، ص ۲۳۳.

بازرگانانی صحراگرد و متبحر در کارهای تجاری بودند.^۱ به این ترتیب، خط گسترده و پرتحرک تجارت خوارج تاهرت، از فزان تا جنوب مغرب اقصی را در بر می گرفت که در بخش جنوبی خود به واسطه وادی حزنه و ورقله بر تجارت سودان غربی هم سیطره می یافت.^۲

از توجه بنورستم به تجارت، روایت‌های متعددی ذکر شده است. این توجه باعث شد که شمال آفریقا از جایگاه شایسته تری برخوردار شود. در رسیدن به این جایگاه، عوامل متعددی دخیل بوده که مهم‌ترین آنها حمایت عبدالرحمان بن رستم و جانشینانش از تمامی تاجران کشورهای شرقی، غربی بود که به قلمرو رستمی وارد می شدند.^۳ تامین امنیت راه‌ها و کاروان‌های تجاری، از دیگر امتیازات ارزنده‌ی این دولت، برای کاروان‌های تجاری بود. امامان رستمی برای رسیدن به این هدف، تلاش زیادی کردند و برای سالم رسیدن کاروان‌ها، گروه‌های حامی اعزام می کردند تا به سلامت به مقصد برسند. مشهور است که وقتی پدر ابوحاتم از دنیا رفت، وی با سپاهی برای حمایت از کاروانی به شرق رفته بود و به دلیل این ماموریت، هنگام مرگ پدر حاضر نبود. قوانین اباضیان، که از تاجران مالیات نمی گرفتند چون آن را نوعی باج و غرامت می دانستند، موجب جذابیت تاهرت برای بازرگانان و آمد و شد بیشتر آنان به تاهرت شد.^۴ این سیاست عبدالرحمان نزد جانشینانش ادامه پیدا کرد.

سیاست زندگی مسالمت آمیز با دیگران، عدم دخالت در امور داخلی دیگر دولت‌ها و دوستی و اتحاد با همسایه‌های شرقی و غربی موجب جلب اعتماد دیگر دولت‌ها به بنورستم شد. عبدالرحمان، فرزندش عبدالوهاب و جانشینان او، به این اصول راهبردی در

۱. موريس لومبارد، (۱۳۹۰)، *جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ص ۸۳.

۲. همان، ص ۲۳۸.

۳. *الازهار الرياضية فی ائمة و ملوک الاباضية*، ص ۱۴۱.

۴. محمد المیایی، (۱۳۹۶-۱۹۶۷)، *تاریخ الجزائر القديم و الجديد، الجزائر: الشركة الوطنية للنشر و التوزيع*، ص ۲۶-۲۷؛ *التاریخ المغرب العربی*، ص ۳۱۱.

سیاست خارجی پایبند بودند و آن را رمز بقا در محیطی می‌دانستند که همه‌ی دولت‌های همجوار، به دلیل اختلافات مذهبی و سیاسی به طور بالقوه می‌توانستند دشمن رستمیان باشند.

افلح بن عبدالوهاب، که به تجارت توجه زیادی نشان می‌داد، شخصا در ایام حکمرانی پدرش، برای تجارت به شهر قوقو (گائو گائو)^۱ سفر کرد و هنگامی که خود به امامت رستمیان رسید، کوشید تا روابط خود را با دولت سونغای واقع در حوزه‌ی رود نیجر گسترش دهد و به آنجا نیز سفر کرد^۲ و در نتیجه، روابط اقتصادی میان اقلیم طرابلس در شرق تاهرت با غرب و مرکز آفریقا گسترش یافت. این ارتباطات، از دو راه مهم بازرگانی برقرار می‌شد؛ یکی، از طرابلس عبور کرده و به جبل نفوسه تا غدامس می‌رسید و از آنجا به تادمکه در کنارنهر نیجر می‌رفت. راه دوم، دریاچه چاد در واحه‌ی زویله را به تاهرت و طرابلس وصل می‌کرد و از آنجا به نقاط گوناگون می‌رفت تا به دریای مدیترانه می‌رسید. در روزگار رستمیان، روابط بازرگانی میان اقلیم طرابلس با منطقه دریاچه چاد (سودان مرکزی) و آفریقای مرکزی پررونق بود.^۳ بدین ترتیب در این دوران، مهم‌ترین شبکه راه‌های تجاری در سراسر مغرب، توسط خوارج بنورستم ایجاد شده بود.

از دیگر اقدامات جالب رستمیان برای حمایت از کاروان‌های تجاری، این بود که آنان در هر واحه‌ای، زاویه‌ای ساخته بودند، زاویه، گرچه در اصل محلی برای عبادت بود ولی در عمل، به عنوان مرکز ملاقات و توقف تجار استفاده می‌شد. بازرگانان در صحن زاویه،

۱. شهری در سرزمین سونغای که در مسیر تجاری تاهرت به جنوب واقع است. نک: *جغرافیای تاریخی*

جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ص ۲۴۷-۲۴۶.

۲. علی اکبر ضیائی، (بی‌تا)، *تاریخ و اعتقادات الاباضیه*، قم: ادیان، ص ۲۹۳؛ *تاریخ المغرب العربی*، ص ۴۹۹؛ فرمند، یونس، «روابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه»، فصلنامه تخصص تاریخی فقه و تاریخ تمدن، س ۴، ش ۱۵، ص ۹۹-۱۱۲.

۳. *تاریخ سیاسی شمال آفریقا در قرن اول و دوم هجری*، ص ۲۰۳؛ یونس فرمند، «روابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه»، فصلنامه تخصص تاریخی فقه و تاریخ تمدن، س ۴، ش ۱۵، ص ۱۰۹-۱۱۰.

شب را به صبح می‌رساندند و در همان جا به معاملات تجاری می‌پرداختند؛ این شبکه ابتدا در اطراف تاهرت ایجاد شد، اما بعد، همه‌ی نواحی صحرایی آفریقا و مغرب را در بر گرفت.^۱ این سیاست‌ها و آن موقعیت راهبردی، ظرف چند سال تاهرت را به بازاری منطقه‌ای تبدیل کرد که مردم از تمام نواحی مثل سودان، مصر، افریقیه و... به آنجا آمده و تجارت می‌کردند.^۲ تاهرت به تدریج از واحه‌ای کوچک به مرکز تجاری آینده از بازار، تاجر و سرمایه‌دار تبدیل شد که تمام کاروان‌های تجاری، راه خود را به سمت این مرکز کج می‌کردند.^۳ عرب‌های افریقیه، نصارای بربر و عده‌ی زیادی از قبایل زناته در مغرب اوسط، در بازارهای این اقلیم در آمد و شد بودند.^۴

بازارها و کالاهای مبادلاتی تاهرت

به دنبال رونق تجاری تاهرت، بازارهای متعددی در این شهر برپا شد که هر یک به عرضه کالایی اختصاص داشت؛ سرآمد آنها بازار ابن وردیه فارسی بود.^۵ این بازارها، افزایش ثروت را تسریع می‌کردند. انواع کالاها در این بازارها مبادله می‌شد، قبایل بدوی دام‌هایشان را در این بازارها می‌فروختند و در مقابل مایحتاج خود مانند خرما و حبوبات و کالاهایی که از سایر کشورهای شرقی، اندلس و سودان وارد می‌شد تهیه می‌کردند. این شهر، از نظر تولیدات دامی بسیار غنی بود؛ تولیدات دامی علاوه بر تامین نیازهای داخلی کشور، جنبه صادراتی داشت که به تمام کشورهای با بنورستم در ارتباط بودند صادر می‌شد.^۶ عسل، روغن و سایر غلات از کالاهای دیگری بود که به وفور در تاهرت یافت می‌شد؛ این کالاها بیشتر به سودان صادر می‌شد، در مقابل، جاده‌ای که از سودان می‌آمد

۱. همان، ص ۲۰۳.

۲. *مجله تاریخ المغرب*، ص ۱۹۰-۱۸۷؛ «موقعیت تجاری و افریقیه و نقش آن در تاسیس خلافت فاطمی»، ص ۴۶-۴۷.

۳. *تاریخ و تمدن مغرب*، ص ۳۱۱-۳۱۰.

۴. *دایرة المعارف الاسلامیة*، ج ۲، صص ۹۳-۹۴.

۵. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۶، ص ۳۹۹-۳۹۸؛ *تاریخ بنو رستم*، ص ۸۰.

۶. *صورة الارض*، ص ۲۵۶-۲۵۵؛ *الدولة الرستمیة*، ص ۲۳۳.

منبع طلا و برده بود که تجارت آن سود فراوانی داشت. قبائل سیاه پوست که وظیفه استخراج طلا را برعهده داشتند، در این مسیرهای تجاری وارد معامله پایاپای می‌شدند؛ بی آن‌که از ارزش واقعی آنچه عرضه می‌کنند مطلع باشند. این طلا از مغرب به سایر نواحی جهان اسلام فرستاده می‌شد.^۱ کسانی که به تجارت برده مشغول بودند نیز اصولاً جزء ثروتمندان به شمار می‌آمدند که ثروتشان را متظاهرانه به رخ می‌کشیدند.^۲ از این رو، به این جاده توجه ویژه‌ای می‌شد علاوه بر این‌ها کالاهای تجاری دیگری که از بلاد سودان می‌آمد، عبارت بود از: عاج، پشم شتر مرغ و پوست حیوانات. در مقابل، منسوجات پشمی، کتان، حریری و بلورهای شیشه‌ای، ظروف سفالی درخشان و رنگارنگ، جواهر و عطر به این کشور و سایر بلاد منتقل می‌شد.^۳

مهم‌ترین کالاهایی که رستمیان به اندلس صادر می‌کردند عبارت بود از: حبوبات و به ویژه گندم، گوشت حیوانات و برده. خلیفه اموی اندلس، عبدالرحمان دوم، علاقه و اشتیاق شدیدی برای دوستی با رستمیان داشت زیرا به حبوبات و کالاهای تجاری این دولت نیاز شدیدی داشت تا بتواند نیاز مردم خود را برآورده کند. تاجران رستمی نیز تسهیلات زیادی به اندلسی‌ها اعطا می‌کردند و برایشان امکانات ماندن در تاهرت را فراهم می‌کردند، لذا اندلسیان سعی داشتند تا این تجارت ادامه پیدا کند همچنان که رستمیان نیز به حفظ این رابطه، مشتاق بودند.^۴

روابط تجاری بنورستم با دولت‌ها و سرزمین‌های اطراف

آنچه مورخان تاریخ مغرب مانند ابن عذاری، ابن خلدون، بکری و دیگران درباره‌ی روابط رستمیان با دولت‌های دیگر ارائه داده‌اند؛ اطلاعات اندکی است که می‌گوید تاهرت از هر طرف، توسط دشمنان محاصره شده بود، اما توانست تا ۱۵۰ سال بدون خطر مستقیم این دولت‌ها حکومت کند، ولی چگونه چنین شده است را معلوم نکرده‌اند. اگر بخواهیم به

۱. جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ص ۲۴۷.

۲. محمد بن عبدالمنعم الحمیری، (۱۹۸۴)، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، عباس احسان، بیروت: مکتبه البنان، ص ۲۶؛ *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ *صورة الارض*، ص ۲۸.

3. *Encycloepadia of islam*, p.100.

۴. *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۶، صص ۳۳۸-۳۳۹.

واسطه‌ی منابع، به شناخت اجمالی درباره‌ی ماهیت روابط این دولت با سایر دولت‌ها برسیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این دولت، مخالفان منطقه‌ای قدرتمندی همچون ادریسیان، عباسیان و نماینده آنان اغللبیان داشت، اما این دشمنی، مانع برقراری روابط تجاری رستمیان با این دولت‌ها نمی‌شد؛ زیرا راز ماندگاری یک حکومت نه چندان قدرتمند نه در نزاع و درگیری، بلکه در سازش و همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان قدرتمند خود است و امامان رستمی، این را به خوبی می‌دانستند. جالب آن‌که سیاست‌های اقتصادی و تجاری صحیح بنورستم باعث شد که تاهرت در مدت کوتاهی به چنان شکوفایی تجاری برسد که رقیبی جدی برای دولت‌های قدرتمند آن زمان مثل اغللبیان به شمار آید و از اقتدار سیاسی و تجاری این دولت، کاسته شود و درصدد رقابت با رستمیان بر آید. آنان تصمیم گرفتند با بنای شهری در نزدیکی تاهرت، به مرکزیت اقتصادی آن پایان دهند و از ارزش آن بکاهند.

رقیب دیگر این دولت، دعات فاطمی، در سلک تجار، پیوسته در حال تجارت بودند و توجه خاصی به تاهرت نشان می‌دادند؛ بعدها نیز اصرار ابوعبدا... شیعی برای تصرف تاهرت و ساقط کردن بنورستم^۱ در همین چارچوب موقعیت تجاری ویژه، قابل تحلیل است. رابطه رستمیان با خوارج صفریه بنومدرار از موضوعاتی است که به علت نبود اطلاعات کافی هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد؛ آنان در جنوب غرب مغرب، شهر سجلماسه را بنا کردند و تا وادی سوس الاقصی پیش رفتند. تنها موضوعی که منابع در باب روابط این دو دولت اشاره دارند، ازدواج دختر عبدالرحمان بن رستم با فرزند الیسع، مؤسس دولت بنومدرار، است. این ازدواج باعث حسن همجواری از یک سو و گشودن راه تجارت میان تاهرت و سجلماسه از سوی دیگر شد؛ به گونه‌ای که توانستند تمام راه‌هایی را که از جنوب می‌آمد در اختیار بگیرند.^۲

-
۱. الازهار الیاضیه فی ائمة الملوک الیاضیه، ص ۲۳۶؛ تاریخ و تمدن مغرب، ص ۳۱۱؛ احمد مختار العبادی، (بی تا)، الدراسات فی تاریخ المغرب و الاندلس، اسکندریه: مؤسسة الشباب الجامعة، ص ۲۱۳؛ الدولة الرستمیة بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس، ص ۱۰۶.
 ۲. الازهار الیاضیه فی ائمة الملوک الیاضیه، ص ۲۳۶؛ تاریخ تمدن مغرب، ص ۳۱۱؛ دراسات فی تاریخ المغرب و الاندلس من الفتح الی الخلافة، ص ۲۱۳؛ الدولة الرستمیة بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس، ص ۱۰۶؛ جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ص ۸۳.

قراردادهای اقتصادی و سیاسی دیگری نیز با کشورهای مختلف امضا شد؛ از جمله این کشورها، سودان بود که در نتیجه‌ی ارتباطات بازرگانی و تجاری میان دو سرزمین، رفاه و آسایش به زندگی مردم راه یافت. امرای رستمی نیز علاقه زیادی به برقراری رابطه‌ی تجاری با این سرزمین داشتند. مثلاً وقتی یک کاروان تجاری که از بلاد تکرور آمده بود به کوهستان نفوسه رسید، حاکم رستمی آنجا، ابو عمرو میمون بن مهدی، خراجی به ارزش ۴۰۰ دینار را که کاروان خود به او تقدیم کرده بود را نپذیرفت و بر عبور بدون مالیات آنها تاکید کرد.^۱ عبدالرحمان بن رستم نیز در کنار جمیع تاجران کشورهای شرقی و غربی، توجه ویژه‌ای به تاجران سودانی داشت و از این تاجران حمایت ویژه می‌کرد.^۲ این شیوه و منش عبدالرحمان، نزد اخلافش نیز ادامه یافت؛ چنان‌که افلح، محمد بن عرفه را به عنوان سفیر تجاری خود نزد پادشاه سودان فرستاد و پادشاه سودان نیز متقابلاً او را با هدایایی گران‌بها به کشورش برگرداند که این امر نشان دهنده‌ی رابطه‌ی نیکو بین این دو دولت بود.^۳ از جمله گروه‌هایی که در سودان فعالانه به تجارت مشغول بودند یهودیان بودند. تجار ثروتمند یهود، در این سفرهای تجاری، خدم و حشم فراوان از بردگان با خود به همراه می‌بردند و آزادانه در تاهرت به تجارت مشغول بودند.^۴

اندلس، از دیگر متحدان دولت رستمی، رابطه بسیار خوبی با این دولت داشت. اصلی‌ترین عامل این ارتباط، وجود دشمنان واحدی مثل عباسیان، فاطمیان و ادریسیان بود. وجود دولت اغلیبان در مغرب ادنی و ادریسیان در مغرب اقصی، برای امویان اندلس، پناهگاهی برای ارتباط با شرق جز رستمیان باقی نگذاشته بود. این مناسبات سیاسی، منجر به روابط تجاری و اقتصادی شد که بیشترین سود را عاید دولت امویان می‌کرد به همین دلیل، بعضی از مورخان اعتقاد دارند که وجود دولت رستمی، از مهم‌ترین عوامل تثبیت و شکوفایی دولت اموی اندلس به شمار می‌آمد.

۱. تاریخ سیاسی خوارج شمال آفریقا در قرن اول و دوم هجری، ص ۲۰۴.

۲. الازهار الریاضیه فی ائمة ملوک الایاضیه، ص ۲۴۱.

۳. تاریخ بنی رستم، ص ۲۹.

۴. دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۳۳۸-۳۳۹.

وقتی افلح در درگیری با اغالبه، شهر عباسیه را آتش زد؛ عبدالرحمان دوم برای او صد هزار دینار فرستاد.^۱ اصلی‌ترین هدف او از ارسال این هدیه و سایر هدایا، نزدیک شدن به بنورستم بود. روابط بین این دو دولت در عهد ابی‌الیقظان به اوج خود رسید و بین او و محمد بن عبدالرحمان بن حکم، روابط پایدار و مستحکمی به وجود آمد. تاهرت نیازهای اساسی و اولیه اندلسی‌ها را تامین می‌کرد؛ در مقابل، کالاهای زیادی نیز از طریق اندلسی‌ها از مسیر دریایی برای رستمیان فرستاده می‌شد.^۲

سرزمین تاهرت، سرزمینی صحرائی بود و از نظر تجارت دریایی غنی نبود. کالاهای تاهرت برای تجارت دریایی از طریق بندرهایی مثل دجاج، تنس، فروخ و... وارد و صادر می‌شد. پل ارتباطی دریایی رستمیان با اندلس از طریق بندر فروخ بود و کشتی‌های تاهرت در آن پهلو می‌گرفت.^۳ روابط دو سرزمین، هر از چند گاهی با تبادل سفیر تقویت می‌شد. عبدالوهاب، سه تن از پسران خود را برای تجدید روابط دوستی با این دولت، به سفارت فرستاد. عبدالرحمان نیز برخوردار صمیمانه‌ای با این سفرا داشت و هزار دینار به آنها اعطا کرد.^۴ نمونه دیگر، در زمان افلح بن عبدالوهاب بود که امیر محمد هدایای شایسته‌ای را برای او فرستاد؛ این رابطه دوستانه تا مدت‌ها بین این دو دولت برقرار بود.^۵

-
۱. البلاذری، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ج ۲، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره، ص ۳۳۷.
 ۲. الخوارج فی المغرب حتی المنتصف القرن الرابع الهجری، ص ۲۰۳-۲۰۰؛ ستارعودی، (۱۳۸۵)، تاریخ دولت اغلیبان در افریقیه و صقلیه، تهران: امیرکبیر، ص ۴۶۲.
 ۳. البلدان، ص ۱۳۲؛ الدولة الرستمیة بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس، ص ۲۴۴.
 ۴. تاریخ المغرب الکبیر، ص ۵۴۴.
 ۵. الخوارج فی بلاد المغرب حتی منتصف القرن الرابع الهجری، صص ۲۰۰-۲۰۳؛ تاریخ دولت اغلیبان در افریقیه و صقلیه، ص ۴۶۲.

نتیجه

حکومت بنو رستم، با وجود این‌که از میان خوارج سر برآورد، اولین حکومت خارجی بود که با سیاست معتدل امامان خود توانست به شکوفایی اقتصادی و تجاری برسد. امامان رستمی، به وسیله اقتصاد و تجارت، طعم واقعی عدالت، زندگی آرام و رفاه را به قشر عظیمی از خوارج و جمعیت بربر بومی مغرب اوسط که تا آن زمان جزء محروم‌ترین گروه‌ها محسوب می‌شدند، چشانند و جامعه‌ی تحت حکومت خود را به جامعه‌ای ثروتمند تبدیل کردند و شرایط را به سطحی رساندند که اکثر بلاد متمدن آن روزگار، به برقراری رابطه با این دولت علاقه مند شدند. در آن زمان، شهر تاهرت به چنان شکوفایی اقتصادی و تجاری رسید که مردم، از دور و نزدیک برای تجارت و حتی برای سکونت به آنجا می‌آمدند. تاهرت به تدریج از نظر اقتصادی به رونقی دست یافت که حکومت‌های اطراف در صدد رقابت با آن برآمدند و با ساخت شهرهای تجاری، در صدد کاهش رونق تجاری این شهر برآمدند که البته ناموفق بودند. شکوفایی اقتصادی این شهر به واسطه موقعیت برجسته این شهر به لحاظ آب و هوایی و جغرافیایی از یکسو و قرار گرفتن در مسیر شاهراه‌های تجاری و همچنین سیاست‌های درست و حمایتی امامان رستمی از سوی دیگر بود و اهتمام اینان باعث شکوفایی تجاری تاهرت شد.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن صغیر، (۱۳۷۵)، تاریخ بنی رستم، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الاباضی، ابن سلام سالم بن یعقوب، (۱۴۰۶هـ- ۱۹۸۶م)، بدء الاسلام و شرائع الدین، آلمان: فرانزشتاینر.
- ابن حوقل، (۱۹۳۸)، صورة الارض، لیدن - بیروت: اللجنه الدولیه لترجمه الروائع الانسانیه.
- البارونی، سلیمان باسا، (۲۰۰۵)، الازهار الرياضیه فی ائمة و ملوک الاباضیه، محمدعلی الصلیبی، لندن: دارالحکمة.
- بکری، ابوعبید، (۱۹۶۵)، المغرب فی ذکر بلاد افريقيه و المغرب، پاریس: بی نا.
- البلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸)، اشکال العالم، تهران: آستان قدس رضوی.
- حجازی، عبدالرحمان، (۱۴۲۱هـ- ۲۰۰۰م)، تطور الفكر التربوی الاباضی فی الشمال الافریقسی من القرن الاول حتی القرن العاشر الهجری، صیدا: المكتبة العصرية.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۸۰)، دانش نامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرة المعارف الاسلامی.
- حریری، عیسی، (۱۴۸۰هـ- ۱۹۸۷م)، الدولة الرستمية بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس، کویت: دارالقلم.
- حموی بغدادی، یاقوت، (۱۳۸۳)، معجم البلدان، ترجمه علینقی وزیر، تهران: پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی
- دائرة المعارف الاسلامیة، تهران: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- الحمیری، محمد، (۱۹۸۴)، الروض المعطار فی خبر الاقطار، عباس احسان، بیروت: مكتبة البنان.
- دبو، محمد علی، (۱۳۸۳هـ- ۱۹۶۳م)، تاریخ المغرب الكبير، قاهره: داراحیاء الكتب العربیة.
- درجینی، ابی العباس احمد بن سعید، (بی تا)، طبقات المشایخ بالمغرب، ابراهیم طلائی، بی جا: بی نا.
- سعد زغلول، عبدالحمید، (۱۹۶۴)، تاریخ المغرب العربی الفاطمیون و بنو زیری و الصنهاجیون السی قیام المرابطين، الاسکندریه: الناشر بالمعارف.
- _____، (۱۹۶۴)، تاریخ المغرب العربی تاریخ دول الاغالبة و الرستمیین و بنی مدرار و الادارسة حتی قیام الفاطمیین، الاسکندریه: الناشر بالمعارف.
- الشریف الادریسی، ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريس الحمودی، (۱۴۰۹)، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت: عالم الكتب.
- شماخی، احمد، (۱۴۰۷هـ- ۱۹۸۷م)، السیر، تحقیق احمد بن سعود السیابی، عمان: بی نا.
- ضیائی، علی اکبر، (بی تا)، تاریخ و اعتقادات الاباضیه، قم: ادیان.
- العبادی، احمد مختار، (بی تا)، الدراسات فی تاریخ المغرب و الاندلس، اسکندریه: موسسه الشباب الجامعة.

شاخصه‌های توسعه‌یافتگی تاهرت در عصر بنورستم ۵۱

- العروی، عبدالله، (۲۰۰۷)، مجمل تاریخ المغرب، بیروت: المركز الثقافی العربی، العروی.
- عودی، ستار، (۱۳۸۵)، تاریخ دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه، تهران: امیرکبیر.
- القزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیرکبیر.
- کردی، رضا، (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی خوارج شمال آفریقا در سده‌های اول و دوم هجری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- لومبارد، موریس، (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- محمود اسماعیل، عبدالرزاق، (۱۹۸۵)، الخوارج فی بلاد المغرب حتی منتصف القرن الرابع الهجری، مغرب: نشر و توزیع دارالتقافة.
- مراکش، (بی تا)، الاستبصار فی عجائب الامصار، بغداد: دارالسنون الثقافیة.
- مراکش، ابن عذاری، (۱۹۸۳)، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق و مراجعه ج. س. کولان، بیروت: دارالتقافة.
- مقدسی، ابوعبدالله، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- موسوی بجنوردی، کاظم، (۱۳۸۵)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مولف نامعلوم، (۱۴۲۳)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، قاهره: دارالتقافة للنشر.
- مونس، حسین، (۱۳۹۰)، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: سمت.
- المیایی، محمد، (۱۳۹۶-۱۹۶۷)، تاریخ الجزائر القديم و الجدید، الجزائر: الشركة الوطنية للنشر و التوزیع.
- ناصری طاهری، عبدالله، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۲۵۳۶)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- Encyclopaedia of islam- -x-t-u---p.J.BEARMAN, TH.BIANQUIS-C.E.BOSWORTH E.VAN DONZEL AND W.P.HEINRICHS---TAHART---RUSTAMIDS--- Leiden Brill2000

مقالات

- چلونگر، محمدعلی، «موقعیت تجاری افریقیه و مغرب و نقش آن در تاسیس خلافت فاطمی»، س ۳، ش ۹، بهار ۱۳۸۱، ص ۴۶-۴۷.
- فرهمند، یونس، «وابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه»، فصلنامه تخصص تاریخی فقه و تاریخ تمدن، س ۴، ش ۱۵.